

قطره‌ای از دریای فضائل

مرضیه زهرا



سید جواد حسینی

سپیده سخن:

حضرت زهرا علیها السلام هم به لحاظ نسب و خانواده و هم به جهت رفتار و منش شخصی و اوصاف فردی در اوج قله عظمت و بزرگی قرار دارد.

او در عظمت و بزرگی نسب خانوادگی شهره جهان است؛ زیرا پدری چون حضرت محمد صلی الله علیه و آله - اولین فرد جهان هستی در کمال و فضائل - و مادری چون خدیجه کبری علیها السلام - یکی از زنهای کامله جهان هستی و دومین مسلمان، و فداکارترین فرد در راه اسلام - و همسری چون امیرمؤمنان علی علیه السلام - که به منزله جان

پیامبر صلی الله علیه و آله و برترین انسان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد - و فرزندان چون حسین علیه السلام و زینب علیها السلام دارد. اگر محصول تربیت زهرا علیها السلام فقط زینب علیها السلام بود، در افتخار و عظمت حضرت زهرا علیها السلام کفایت می کرد. راستی کجا می توان خانواده ای یافت که مانند خانواده زهرا علیها السلام پدر معصوم، همسر معصوم، فرزندان ذکور معصوم و خود خانم نیز معصومه باشند و کجا می توان خانه ای یافت که چنین انسانهای بزرگی در آن جمع شوند، جز خانه گلی فاطمه.

و او در اوج فضایل قرار دارد به

بَلْ هِيَ أَعْظَمُ؛ إِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي خَيْرٌ أَهْلِ الْأَرْضِ
عَنْصُرًا وَشَرَفًا وَكِرَامًا؛^۳

اگر [خوبیها و] زیباییها به صورت انسانی درآید، او فاطمه خواهد بود، بلکه او برتر [از آن] است؛ برآستی که دخترم فاطمه برترین انسان روی زمین از نظر عنصر و ذات، و از نظر شرافت و بزرگواری است.

و چگونه می توان به فضائل و خوبیهای او پی برد و حال آنکه قطب عالم امکان، مهدی صاحب الزمان؛ آنکه همه خوبیها در او جمع شده است، فاطمه علیها السلام را الگو و مقتدای خویش می داند، آنجا که می فرماید:

«وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِي أَسْوَدَ حَسَنَةً، وَسَيِّدِي الْجَاهِلِ رِدَاءَةً عَمَلِيهِ وَسَيِّعَلِمُ الْكَافِرِ لِمَنْ عُنْبِي الدَّارِ؛^۴ دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله زیباترین

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، (بیروت، داراحیاء التراث العربی)، ج ۴۳، ص ۱۰۵.

۲. علامه مردنی، ملتقى البحرين، ص ۱۴؛ ر.ک: میرجهانی، الجنة العاصمه، ص ۱۴۸؛ صالح بن عبدالوهاب العرنديس، كشف اللائكي، به نقل از فاطمه زهرا علیها السلام، بهجة قلب المصطفى، رحمانی همدانی (تهران، نشر المرضیة، دوم، ۱۳۷۲)

ص ۹.

۳. حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۸.

۴. بحارالانوار، (پیشین)، ج ۵۳،

حدی که شناخت او جز برای معدودی از انسانها غیر ممکن است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَهِيَ الصَّديقَةُ الْكُبْرَى وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتْ الْقُرُونُ الْأُولَى»؛ او صدیقه کبری است که بر محور شناخت او قرنهای گذشته دور زده است.^۱

شاعر عرب به همین نکته اشاره کرده و می گوید:

وَحُبُّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الْعَالِيَةِ

عَلَيْهِ دَارَتْ الْقُرُونُ الْخَالِيَةِ

«دوستی او از صفات ارزنده است، و قرنهای گذشته بر محور او چرخیده است.»

چگونه می توان او را شناخت، در حالی که خدای متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «يَا أَحْمَدُ لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ وَلَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَلَوْلَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُكُمَا؛^۲ ای پیامبر! اگر تو نبودی هستی را نمی آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود تو را خلق نمی کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را به وجود نمی آوردم.»

و پیامبر گرامی اسلام درباره او فرمود: «وَلَوْ كَانِ الْحَسَنُ شَخْصًا لَكَانَ فَاطِمَةَ

الگو برای من است، و به زودی نادان پستی عمل خویش را خواهد دید و کافران در می‌یابند که پایان کار به نفع چه کسی می‌باشد.»

فاطمه لیلة القدر ناشناخته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**» **الْأَيْلَةَ: فَاطِمَةَ وَالْقَدْرُ: اللهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ... سُمِّيَتْ «فَاطِمَةَ» لِأَنَّ الْخَلْقَ قَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا؛**^۱ [اینکه خداوند می‌فرماید:] ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، [مراد از] شب، فاطمه و مراد از قدر، خداوند است. در نتیجه هر کسی فاطمه را آنچنان که باید بشناسد، به حقیقت شب قدر را درک نموده است، و.. و اینکه فاطمه، فاطمه نامیده شده است برای این است که مخلوق از [کنه] معرفت او عاجز است.»

فضائل زهرا علیها السلام آنچنان که باید و شاید قابل درک نبوده و البته قابل انکار نیز نمی‌باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «**الْوَيْلُ، ثُمَّ الْوَيْلُ، الْوَيْلُ لِمَنْ شَكَّ فِي فَضْلِ فَاطِمَةَ؛** وای [و عذاب باد،] سپس وای، وای بر کسی که در فضیلت زهرا علیها السلام شک روا

دارد.»

زهرا علیها السلام در کلام محققین اهل

سنت

۱. ابن صباغ مالکی: «در افتخار فاطمه همین بس که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله خیرالبشر است، فاطمه‌ای که ولادتش پاک، و سیده است به اتفاق همه مسلمین.»^۲

۲. محمد بن طلحة شافعی: «دقت کن در آیه مباهله^۳ و ترتیب و عبارات آن، و اشاراتی که به علو مقام فاطمه دارد، و چگونه او وسط قرار گرفته است، (چنانکه در حال رفتن بین پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بود) تا مقام و منزلت او بیشتر روشن گردد.»^۴

۳. عباس محمود، العقاد المصری: «در هر دینی یک چهره از زن کامله وجود دارد که همه او را تقدیس می‌کنند. و گویا او نشانه خداوند بین مردان و زنان است، در مسیحیت چهره»

صص ۱۷۹ - ۱۸۰.

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، (داراحیاء

الترات العربی)، ج ۴۳، ص ۶۵.

۲. الفصول المهمة (بیروت)، ص ۱۴۳.

۳. آل عمران/۶۱.

۴. مطالب السنول، چاپ ایران، ص ۶ و ۷.

حضرت زهرا علیها السلام اشاره می‌شود:

۱. ولادت زهرا علیها السلام

بعد از چهل شبانه روز عبادت و کناره‌گیری رسول خدا صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری، فرشته خدا غذایی از بهشت برای آن حضرت آورد، بعد از افطار با آن غذای بهشتی و روحانی، جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! امشب از نماز مستحبی درگذر و به سوی خانه خدیجه بشتاب! زیرا خداوند اراده نموده که از صلب تو فرزند پاکیزه‌ای بیافریند. بدنبال این فرمان، نور فاطمه علیها السلام از صلب پدر به رحم مادر انتقال یافت.^۳

بعد از مدتی جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه بشارت داد: «ای رسول خدا! بچه‌ای که در رحم خدیجه علیها السلام می‌باشد، دختر ارجمندی است که نسل تو از وی بوجود خواهد آمد، او مادر امامان و پیشوایان دین است که بعد از انقطاع وحی جانشین تو

مریم پاکدامن، و در اسلام لاجرم آن چهره کامله فاطمه بتول می‌باشد.»^۱

۴. دکتر علی ابراهیم حسن: «در زندگی فاطمه انواع عظمتها را می‌بینیم که این عظمتها را همچون بلقیس و... از راه داشتن قصر و ثروت و زیبایی ظاهری به دست نیاورده است. و همچون عایشه، شهرت خویش را از راه رهبری جنگجویان (در جنگ جمل) و رویارویی با مردان به چنگ نیاورده، بلکه از راه حکمت و بزرگی شخصی خود، عالم را از حکمت و عظمت پر نموده است، حکمتی که مرجعش کتب فلاسفه و علماء نیست. بزرگی که ریشه‌اش پادشاهی و ثروت نیست بلکه از درون جانش و کمالات نفسش ریشه می‌گیرد.»^۲

آری او شخصیتی است که هر قدر فهم بشر در شناخت حقیقتش بیشتر فرو رود، با مسائل حل نشده و رازهای ناگشوده بیشتری روبرو می‌شود، و سرانجام عاجزانه باید بگویند که اندیشه‌ها از درک فضائل زهرا عاجزند.

فضائل حضرت زهرا علیها السلام

در این نوشتار به بعضی از فضائل

۱. توفیق ابواعلم، اهل البیت، ص ۱۲۸.

۲. علامه دخیل، فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۷۱.

۳. بحار (پیشین)، ج ۱۶، ص ۷۸ و رک: بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، ص ۲۷.

خواهند شد.^۱

بعد از اتمام دوران بارداری خدیجه، فرشتگان خدا و حوریان بهشتی و زنان آسمانی به یاری خدیجه شتافتند و بدین گونه، فاطمه عزیز، یعنی اختر فروزان آسمان نبوت پا به عرصه گیتی نهاد، و به نور تابناک خود، شرق و غرب عالم را روشن ساخت.^۲ از سخنان پیش گفته، فضیلت حضرت زهرا علیها السلام در اصل انعقاد نطفه، دوران جنینی، و پا گذاشتن به عرصه گیتی به خوبی آشکار است.

۲. نور فاطمه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَخْلَقَ نُورَ فَاطِمَةَ علیها السلام قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْشِيءً؟»^۳ فَقَالَ: فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْشِيءً؛ نور فاطمه قبل از خلقت زمین و آسمان آفریده شد، بعضی از مردم عرض کردند: ای پیامبر خدا! پس زهرا از آدمیان نیست؟ فرمود: فاطمه حوریه بشری است.^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجِهٍ، ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَدَّهَ فَأَصَابَنِي

ثَلَاثَ النُّورِ، وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثَلَاثَ النُّورِ، وَأَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثَلَاثَ النُّورِ؛ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَايَةِ مُحَمَّدٍ، وَمَنْ لَمْ يَصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛ خداوند بهشت را از نور وجود خود آفرید، سپس آن را برگرفته و رها کرد. پس یک سوم آن به من [پیامبر صلی الله علیه و آله] و یک سوم آن به فاطمه، و ثلث باقیمانده به علی علیه السلام و اهل بیت او اصابت کرد. پس هر کس که از آن نور به او برسد، به ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله رهنمون می‌شود، و هر کس از آن نور به او نرسد از ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله گمراه [و به بیراهه خواهد رفت].^۴

۳. نام زهرا علیها السلام

یونس می‌گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: «الْفَاطِمَةُ علیها السلام تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَاطِمَةُ، وَالصَّدِيقَةُ، وَالْمُبَارَكَةُ، وَالطَّاهِرَةُ، وَالرَّكِيَّةُ، وَالرَّاضِيَّةُ، وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْرَاءُ ثُمَّ قَالَ علیه السلام أَتَدْرِي أَيُّ

۱. دلایل الامامة، ص ۸.

۲. همان و ر. ک: بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۲، و ج ۱۶، ص ۸۰.

۳. عبدالله بحرانی، العوالم، (قم مدرسه

المهدی)، ج ۶، ص ۹.

۴. بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۴۴.

می درخشید؛ آنگونه که ستارگان برای
اهل زمین می درخشند.»

امام حسن علیه السلام فرمود:

«مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا عَبَدٌ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا
السَّلَامُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛^۶ عابدتر از
فاطمه در دنیا نبود، [آنقدر عبادت کرد]

که پاهای [مبارکش] ورم کرد.»

۵. اخلاص فاطمه علیها السلام

از حسین بن روح سؤال شد:
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چند دختر داشت؟
گفت: چهار دختر. سؤال شد: کدامیک
برتر بود؟ گفت: فاطمه؛ به خاطر اینکه
وارث [علم] نبی بود و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله
از طریق او انتشار یافت. و خداوند این
دو خصلت را به خاطر اخلاص او
عنایت فرمود.^۷

سوره هل اتی هم که پاداش
اخلاص و عطای اهل بیت است، بر
اوج اخلاص فاطمه علیها السلام به عنوان یکی

شئی و تفسیر فاطمه؟ قُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي،
قَالَ: فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ؛^۱

برای فاطمه نزد خدای بلند مرتبه
نه اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه،
طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و
زهره.

آنگاه فرمود: معنی و تفسیر فاطمه
را می دانی؟ گفتم: آقای من شما
بفرمائید. فرمود: فاطمه را از آن جهت
فاطمه گویند که از شر بدور است.»

همچنین برای وجه تسمیه
فاطمه علیها السلام وجوه دیگری نقل شده
است که عبارتند از:

۱. فاطمه از اسم خداوند یعنی
فاطر گرفته شده است.^۲
۲. چون دوستان و شیعیان او از
آتش جهنم در امان اند.^۳
۳. چون از عادت ماهانه بریده و
منقطع بوده است.^۴

۴. عبادت فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «كَانَتْ إِذَا
قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهْرَتُ نَوَازِلِهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا
يَزَهَرُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛^۵ هرگاه
فاطمه علیها السلام در محراب عبادتش
می ایستاد، نور او برای اهل آسمان

۱. بحار (پیشین)، ج ۴۳، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۱۶.

۴. همان، ص ۱۶.

۵. همان، ص ۱۲.

۶. همان، ص ۴۹.

۷. همان، ص ۳۷.

از اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد.

۶. ذکر و تسبیح فاطمه علیها السلام

از علی علیه السلام نقل شده است که: یکی از پادشاهان عجم برده‌ای به پیامبر هدیه نمود، من به فاطمه گفتم نزد رسول خدا برو و خدمتگزاری برای خود درخواست کن، زهرا نزد رسول خدا رفته و این موضوع را با ایشان در میان گذارد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه جان! چیزی به تو دهم که برایت از خادم و آنچه در دنیاست بهتر باشد؛ بعد از نماز، ۳۴ بار الله اکبر، و ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله بگو. آنگاه این اذکار سه گانه را با «لا اله الا الله» پایان بخش، و این برای تو از آنچه خواسته‌ای و از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر خواهد بود.^۱

رَجُلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ النَّبْرِضَةِ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ؛^۲ هر کس تسبیح فاطمه را قبل از آنکه از حالت نماز فارغ شود بگوید؛ خداوند او را می‌آمرزد.

و همچنین امام صادق علیه السلام بارها می‌فرمودند: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ علیها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي ذِكْرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ؛^۳ تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز بعد از هر نماز نزد من محبوب‌تر از هزار رکعت نماز در هر روز است.» و نیز فرمودند: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»؛^۴ تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام مصداق ذکر کثیری است که خداوند فرمود: خدا را یاد کنید، یاد کردن بسیار.»
۷. علم فاطمه علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام مقید بود که این تسبیحات را بعد از هر نماز بگوید و به همین علت تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام نامیده شده است.

فضیلت تسبیحات فاطمه علیها السلام

در فضیلت تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام قَبْلَ أَنْ يَسْتَنِي

۱. سید محمد کاظم قزوینی، فاطمة الزهراء از ولادت تا شهادت، ترجمه دکتر حسین فریدونی، نشر آفاق، چاپ سوم، ۱۳۶۵، ص ۲۲۴.
۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۲.
۳. حسین طبرسی، مکارم الاخلاق، (بیروت، مؤسسة الاعلمی)، ص ۲۸۱.
۴. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، (دار احیاء التراث العربی)، ج ۴، ص ۱۰۲۲.

قائل به وجود محدث در اسلام می‌باشند و معتقدند که بعد از پیامبر اسلام یقیناً بشر محدث وجود داشته است، منتهی در مصداق اختلاف است. در تعریف محدث می‌گویند: «الْمُحَدَّثُ يَسْمَعُ الصَّوْتِ وَلَا يَرِي شَيْئاً؛^۱ محدث صدای فرشته را می‌شنود ولی چیزی را نمی‌بیند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَلَمْ تَكُنْ نَسِيَةً إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَيَتَنَادَى بِهَا كَمَا تَتَنَادَى مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ...»^۲ فاطمه دختر رسول خدا محدثه بود نه پیامبر. فاطمه را از این جهت محدثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می‌شدند و با او همانند مریم دختر عمران گفتگو داشتند.»

حضرت صادق علیه السلام سخن خود را چنین ادامه می‌دهند: شبی حضرت صدیقه علیها السلام به فرشتگان هم صحبت خویش فرمود: آیا آن زن که بر جمیع زنان عالم برتری دارد، مریم دختر

است ولی علم انبیاء و اولیاء الهی لدنی و الهی است، علم فاطمه زهرا علیها السلام هم لدنی بود. سلمان گوید: عمار به من گفت: از امر تعجب‌آوری برای تو خبر دهم! گفتم بگو، عمار گفت: (روزی) همراه با علی علیه السلام بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدیم. هنگامی که نگاه زهرا علیها السلام به علی علیه السلام افتاد، فرمود، نزدیک بیا تا حدیث گذشته، حال و آینده راتا روز قیامت، برایت بگویم. دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام به حالت قهقری (و به عقب) برگشت و نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مشرف شد، حضرت فرمود: ای ابوالحسن نزدیک بیا. علی علیه السلام نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله نشست، بعد از اینکه آرام گرفت، پیامبر اسلام فرمود: من خیر دهم یا خود خبر می‌دهی؟! عرض کرد: خیر دادن از شما زیباتر است. آنگاه حضرت جریانی که بر علی گذشته بود را شرح داد، علی علیه السلام عرض کرد آیا نور فاطمه از نور ما می‌باشد؟ حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی؟ آنگاه علی علیه السلام سجده شکر انجام داد.

۸. فاطمه علیها السلام محدثه بود

دانشمندان شیعه و سنی بالاتفاق

۱. بحار الانوار، پیشین، ج ۲۶، ص ۷۵-۷۶.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۶ و ج ۴۳، ص ۷۸.

فاطمه علیها السلام چنین بود، که به دو نمونه اشاره می‌شود.

الف) گلوبند پربرکت

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: روزی نماز عصر را با پیغمبر صلی الله علیه و آله خواندیم، ناگاه پیرمردی خدمت رسول خدا رسید که لباس کهنه‌ای پوشیده بود، و از شدت پیری و ناتوانی نمی‌توانست بر جای خودش قرار گیرد. عرض کرد یا رسول‌الله! گرسنه‌ام سیرم کن؛ برهنه‌ام لباسی به من عطا کن؛ تهیدستم چیزی به من بده. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من که اکنون چیزی ندارم ولی تو را به جایی راهنمایی می‌کنم، شاید حاجتت برآورده شود. سپس به بلال فرمود: پیرمرد ناتوان را به خانه فاطمه هدایت کن. او بعد از ورود به خانه زهرا علیها السلام سلام کرد، حضرت جوابش را داد و فرمود: کیستی؟ خود را معرفی نمود... فاطمه گلوبندی را که پسر عمویش به وی اهداء نموده بود، به او داد و فرمود: به فروش رسان و زندگی خودت را بدان اصلاح کن.

عمران نیست؟ جواب دادند: نه؛ زیرا مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود، ولی خدای متعال تو را سیده زنهای عالم خودت، و هم عالم زمان مریم و اولین و آخرین قرار داده است (یعنی تو را بانوی بانوان جهان قرار داد).»

و باز فرمود: «فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۷۵ روز بیشتر زنده نماند، و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می‌رسید، و او را در عزای پدر تسلیت می‌گفت.»^۱ جبرئیل گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه‌اش وارد می‌گردد، خبر می‌داد. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آنچه جبرئیل گزارش می‌داد، می‌نوشت. مجموعه این سخنان به مصحف فاطمه معروف شده است.

در زیارتنامه حضرت فاطمه علیها السلام هم می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيَّةُ»^۲

۹. عطای فاطمه علیها السلام

بهترین و برترین انفاق آن است که از محبوبترین چیز انفاق شود و انفاقهای

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱ و بحارالانوار،

ج ۲۲، ص ۵۴۶، ج ۲۶، ص ۴۱.

۲. بحار، ج ۹۷، ص ۱۹۵.

جامه‌ای از دیبای سبز از جامه‌های بهشتی فرستاده است.

۱۰. همسر داری فاطمه علیها السلام

در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام پرسید: «كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَي طَاعَةِ اللَّهِ وَسَأَلْتُ فَاطِمَةَ، فَقَالَتْ: خَيْرٌ بَعْلًا؛^۱ فاطمه، همسرت را چگونه یافتی؟ گفت: بهترین یار بر اطاعت [و بندگی] خداوند، و از فاطمه سؤال کرد: گفت: او بهترین شوهر است.»

فاطمه در یک موقعیتی بسیار حساس و بحرانی در خانه‌ی علی زندگی می‌کرد، سپاه اسلام همیشه در حال آماده باش بود. در هر سال، چندین جنگ واقع می‌شد و علی علیه السلام در تمام یا اکثر آن جنگها شرکت داشت. هرگاه با بیکر خسته و کوفته به خانه باز می‌گشت، از مهربانیه‌ها و دلگرمی‌ها و نوازشهای همسر عزیزش کاملاً برخوردار می‌شد؛ زخمهای تنش را پانسمان می‌کرد، لباسهای خون آلود جنگ را می‌شست^۲،

پیر مرد برگشت و جریان را خدمت پیغمبر عرض کرد. آن حضرت گریست و فرمود: گردنبنند را به فروش رسان تا خدا به برکت عطای دخترم برای تو گشایشی فراهم سازد... پیر مرد بعد از فروختن گردنبنند، به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: به برکت عطای فاطمه علیها السلام بی نیاز شدم^۱.

(ب) پیراهن شب عروسی

صفوری شافعی از ابن جوزی نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب عروسی فاطمه علیها السلام برای او پیراهن تازه‌ای آماده کردند. جامه‌ای کهنه و وصله دار نیز در نزد ایشان بود. سائلی در زد و گفت: از خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه‌ای کهنه می‌خواهم. فاطمه می‌خواست جامه کهنه را بدهد، ولی سخن خدا به یادش آمد که می‌فرماید: «كُنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ «به نیکویی نخواهید رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.»

پس جامه نو را به وی داد. وقتی که هنگام زفاف حضرت شد، جبرئیل به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله! پروردگارت سلام می‌رساند، و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه علیها السلام سلام برسانم و برای فاطمه علیها السلام توسط من

۱. همان، ج ۴۳، ص ۵۶.

۲. قاضی نورالله حسینی، احقاق الحق (طهران، مکتبته الاسلامیه)، ج ۱۰، ص ۴۰۱؛ و ر.ک:

صفوری شافعی، نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۶.

۳. سیرة ابن هشام، ج ۳، ص ۱۰۶، به نقل از ابراهیم امینی، بانوی نمونه اسلام، صص ۷۸-۷۹.

حُسن ختام فضائل حضرت را مقام شفاعت حضرت قرار می‌دهیم.

۱. پیامبر اسلام خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «انْتُمَا الْإِمَامَانِ وَلَا مَكْمَأَ الشَّفَاعَةِ»^۱ شما دو نفر (حسنین) امام هستید، و برای مادر شما شفاعت است.»

۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی روز قیامت شود، از باطن عرش ندا می‌رسد: ای اهل قیامت! چشمهای خویش را پایین افکنید تا اینکه فاطمه دختر محمد با پیراهن خضاب شده به خون حسین عبور کند، در آن عرصه حضرت فاطمه پایه عرش را گرفته و عرضه می‌دارد: پروردگارا! تو جبار عادل، بین من و کسانی که فرزندان مرا کشتند قضاوت فرما. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: به حق خدای کعبه سوگند که پروردگارم به سنت من حکم خواهد فرمود.

آنگاه زهرا علیها السلام عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ اشْفَعْنِي فِيمَنْ بَكَى عَلَيَّ مُصِيبَتِهِ؛ پروردگارا

فداکاریها و شجاعتهايش را می‌ستود، و بدین وسیله دلش را گرم و برای جنگ آینده آماده‌اش می‌نمود.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّبْتُ عَنِّي الْهَمُومُ وَالْآخِرَانُ؛^۱ به راستی همیشه این گونه بود که به او نگاه می‌کردم و تمام غمها و غصه‌هایم بر طرف می‌شد.»

فاطمه علیها السلام هرگز بدون اجازه علی علیه السلام از خانه خارج نشد و هیچ‌گاه او را غضبناک نکرد. او در ساعات وداع خویش به علی علیه السلام گفت: «يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهَدْتَنِي كَأَقْبَى وَلَا خَائِبَتِي وَلَا خَالَفَتُكَ مُسْنَدُ عَاشِرَتَنِي.

فَقَالَ علیه السلام: مُعَاذَ اللَّهِ أَنْتَ أَغْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرَأُ وَأَتَقَى وَأَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَنْ أُوْبِحَكَ مُخَالَفَتِي؛^۲ پسر عمو! هرگز مرا دروغگو و خائن نیفتی، از روزی که با من معاشرت کردی، با دستورات تو مخالفت نکردم. علی علیه السلام فرمود: [ای دختر پیامبر!] معاذ الله [که تو در

خانه من بدرفتاری نموده باشی، زیرا] مراتب خداشناسی و نیکوکاری و پرهیزکاری و بزرگی و خداترسی تو به حدی است که جای ایراد و خرده‌گیری در مورد مخالفت با من نیست.»

۱۱. شفاعت فاطمه علیها السلام

۱. بحارالانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۱۳۴، سطر سوم.

۲. همان، ص ۱۹۱، روایت ۲۰.

۳. کشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۰۶.

منبرهایی از نور نصب می‌گردد، پس برای دو فرزند و نوه و دو ریحانه ایام حیاتم (حسین علیه السلام) منبری برپا می‌شود و به آنان گفته می‌شود خطبه بخوانید و آن دو خطبه‌هایی می‌خوانند که هیچ یک از فرزندان انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده‌اند. آنگاه منادی که جبرئیل است ندا می‌دهد: فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ آنگاه فاطمه علیها السلام برمی‌خیزد، [تا اینکه فرمود:] خدای تعالی می‌فرماید: ای اهل محشر کرامت و بزرگواری از آن کیست؟ محمد و علی و حسین علیهم السلام عرض می‌کنند: برای خدای واحد قهار. آنگاه خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر! من امروز کرامت و بزرگی را برای محمد و علی و فاطمه و حسین علیهم السلام قرار دادم.

ای اهل محشر! سرها را پایین افکنده و چشمها را ببندید، این فاطمه است که به سوی بهشت می‌رود. آنگاه جبرئیل شتر بهشتی می‌آورد، در حالی که دو طرفش را دیباج آویزان کرده‌اند، و مهار آن از لؤلؤ تازه است. حضرت بر آن سوار می‌شوند و

به من اجازه شفاعت کسانی را بفرما که در مصیبت حسینم گریه کرده‌اند» و خدای تعالی اذن شفاعت آنان را به ایشان عنایت می‌فرماید.^۱

۳. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، یا بن رسول‌الله! برای من حدیثی در فضیلت جدّه‌ات فاطمه زهرا علیها السلام بفرماید تا هنگامی که آن را برای شیعیان بیان می‌کنم خوشحال گردند. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم و او از جدّم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمود که: در روز قیامت برای انبیاء و رسل منبرهایی از نور برپا می‌شود و منبر من در روز قیامت از همه بلندتر است. آنگاه خداوند می‌فرماید: خطبه بخوان، پس خطبه‌ای

بخوانم که احدی از انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده است. پس برای اوصیاء نیز منبرهایی از نور برافراشته می‌شود و در میان آنها منبری برای وصی من علی بن ابی طالب نصب می‌گردد که از همه بلندتر است؛ آنگاه خداوند به علی علیه السلام می‌فرماید: خطبه بخوان، پس خطبه‌ای می‌خواند که احدی از اوصیاء مانند آن نشنیده است.

آنگاه برای فرزندان انبیاء و رسل

۱. اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۲۳؛ گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۱۲؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۸؛ همدانی، مودة القربی، ۱۰۴.

خدای متعال صد هزار فرشته را در طرف راست و صد هزار فرشته در سمت چپ وی می فرستد، و صد هزار فرشته را مأمور می فرماید تا حضرت فاطمه علیها السلام را بر روی بالهای خود سوار کنند تا ایشان را به در بهشت برسانند. وقتی که به در بهشت می رسند، حضرتش می ایستد، خدای متعال می فرماید: ای دخت حبیب من چرا توقف کردی و حال آنکه من تو را امر کرده بودم به بهشت من در آیی؟ حضرت صدیقه علیها السلام عرض می کند: پروردگارا دوست می دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته شود.

خداوند می فرماید: *أَيَا بِنْتِ حَبِيبِي! إِزْجِعِي فَأَنْظِرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ تُحْذِي بِيَدِهِ فَأَذْخُلِهِ الْجَنَّةَ!*؛ ای دختر حبیب من! برگرد و بنگر هر که در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد، دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما.

آنگاه حضرت باقر علیه السلام فرمود: والله ای جابرا! در آن روز حضرت زهرا علیها السلام شیعیان و دوستانش را بر می گزیند و انتخاب می کند؛ همان گونه که پرنده دانه نیکو را از دانه بد جدا می کند. وقتی که

شیعیان سیده زنان دو عالم به آن بزرگوار نزدیک و بر در بهشت می آیند، خدای تعالی در قلب آنان چنین می افکند که در آنجا بایستند. وقتی می ایستند خداوند می فرماید: ای دوستان من! توقف شما برای چیست و حال آنکه فاطمه دخت حبیب من شفاعت شما را نموده است؟ پاسخ دهند: پروردگارا ما دوست داریم که در چنین روزی ارزش و منزلتمان شناخته شود. خداوند می فرماید: ای دوستان من! برگردید و ببینید چه کسی به خاطر آنکه شما فاطمه را دوست می داشتید، شما را دوست می داشت؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهرا علیها السلام غذا داد؟ چه کسی شما را به خاطر دوست داشتن فاطمه علیها السلام لباس پوشانید؟ چه کسی به شما بخاطر دوستی فاطمه علیها السلام شربت نوشانید؟ چه کسی بخاطر فاطمه علیها السلام و دوستی فاطمه علیها السلام غیبت کننده ای را از شما رد کرد؟

پس دستش را بگیرید و او را وارد بهشت نمایید.^۱

۱. بحار الانوار، (پیشین)، ج ۸، ص ۵۱؛ تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۱۱۳.